



ادامه محدودیت‌های طالبان بر زنان:

آرایشگاه‌های زنانه از اوایل ماه آینده اجازه فعالیت ندارند



وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان فعالیت آرایشگاه‌های زنانه در کشور را منع کرده است. این وزارت در مکتوبی گفته است که براساس دستور شفاهی ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، آرایشگاه‌های زنانه از ۳ اسد سال جاری خورشیدی اجازه فعالیت نخواهند داشت. به این ترتیب جواز کار هزاران آرایشگاه در سراسر کشور لغو خواهد شد. این تصمیم واکنش‌های تند شهروندان را به همراه داشته است. شماری از آرایشگران زن می‌گویند که چنین فرمانی سبب افزایش بیکاری در میان زنان می‌شود...

۳

رفتار شهروندان ایران در برابر مهاجران افغان تغییر کرده است

۷



چارچوب استراتژیک یوناما؛

افغانستان در معرض بحران بی‌سابقه قرار دارد

بارنده‌گی شدید و سیلاب در ننگرهار جان دو تن را گرفت



صبح ۸، ننگرهار: مقام‌های محلی طالبان در ننگرهار می‌گویند که در اثر بارنده‌گی شدید و سیلاب در ولسوالی حصارک این ولایت، دو تن جان باخته و خسارات هنگفت مالی به باشندگان این ولسوالی وارد شده است. ریاست اطلاعات و فرهنگ تحت مدیریت طالبان با نشر اعلامیه‌ای می‌گوید که روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، بارنده‌گی شدید و سیلاب در روستای «خنگی» ولسوالی حصارک، جان یک مرد و زن را گرفته و دست‌کم ۲۱۰ جریب زمین زراعتی را تخریب کرده است.

۵

مرد چاپ‌دوز: کسب پرکار و کم‌درآمد موهایم را سپید کرد



نماینده‌گی‌های دیپلماتیک افغانستان: فهرست «جنايات جنگي» طالبان گسترده است

صبح ۸، کابل: نماینده‌گی‌های دیپلماتیک و سفارت‌خانه‌های افغانستان می‌گویند که فهرست «جنايات جنگي و نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه» توسط طالبان گسترده است. نماینده‌گی‌های دیپلماتیک و سفارت‌خانه‌های افغانستان روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، با نشر اعلامیه‌ای گفته‌اند که عفو بین‌الملل از «جنايات جنگي شنيع طالبان» در پنجشیر خبر داده و گزارش هوش مصنوعی شواهدی از اعدام‌های غیرقانونی، شکنجه و بازداشت‌های خودسرانه را مستند و نشر کرده است. به گفته این نماینده‌گی‌ها، گزارش‌های موقتی از کشتارهای هدفمند و اعدام‌های اجمالی نیروهای امنیتی پیشین و غیرنظامیان در هر گوشه کشور مانند پنجشیر، بغلان، قندهار، ننگرهار، سرپل، دایکندی غور و بدخشان منتشر شده است.

۴

پیامدهای ناخواسته کمک تسلیحاتی غرب به اوکراین



رهبر طالبان: ادارات دولتی به جای مخففیات انگلیسی از مخففیات پشتو کار بگیرند

صبح ۸، کابل: رهبر طالبان دستور داده است تا ادارات دولتی پس از این در قراردادها و دیگر اسناد اداری به جای مخففیات انگلیسی از مخففیات پشتو کار بگیرند. در مکتوب ریاست عمومی اداره امور تحت مدیریت طالبان که به تاریخ ۲۸ جوزای سال روان صادر شده و روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود این مطلب ذکر شده است. این مکتوب براساس فرمان ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان صادر شده است. در این فرمان به استفاده از زبان فارسی اشاره‌ای نشده است. طالبان تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که در قوانین نافذ افغانستان زبان فارسی/دری در کنار زبان پشتو به‌عنوان زبان رسمی افغانستان شناخته می‌شود.





کمک به دوام حالت احتضار

سازمان ملل متحده برنامه دوساله‌اش برای افغانستان را در یک سند هفتادوچند صفحه‌ای نشر نموده و در آن طبق روال کار آن سازمان، اهدافی را برای بهبود وضعیت معیشتی، شغلی، مدنی و صحتی افغان‌ها ترسیم کرده است. آن اهداف کلیشه‌ای مشروط به حمایت‌های بین‌المللی، بهبود وضعیت سیاسی داخلی و همکاری طالبان شده است. در عین حال از کاهش تمایل کشورها و نهادهای کمک‌کننده به حمایت برنامه‌های آن سازمان و سیاست‌های بازدارنده طالبان چون موانع اصلی تحقق آن اهداف یاد شده است. با آن که چارت‌ها و فاکت‌های بسیاری در مورد اقدامات احتمالی برای کاهش فقر، تامین حقوق و آزادی‌های مردم در آن درج گردیده، اما نه خود تهیه‌کننده‌گان سند اطمینان دارند که به آن اهداف دست خواهند یافت و نه ما می‌توانیم انتظاری بیشتر از کمک به دوام حالت نیمه‌جانی کنونی از مساعدت‌های ملل متحد داشته باشیم. با این حال، آن سند در شرح وضعیت موجود و سقوط افغانستان نکات مهمی دارد. از جمله اطلاعاتی در مورد کاهش عاید سرانه، کوچک شدن اقتصاد، کاهش فعالیت‌های سکتور خصوصی، بیکاری شدید، تاثیر ویرانگر محدودیت‌های طالبان بر معیشت خانواده‌ها، سوءتغذی میلیون‌ها کودک و زن، فروش کودکان، فروش اعضای بدن، شکنجه مخالفان، تبعیض و محرومیت‌های گوناگون شغلی، تعلیمی، تحصیلی، گشت‌وگذار و مخصوص برای زنان، افزایش اعتیاد و امراض روانی، رقم بالای بی‌جاشده‌گان و مهاجران در آن گنجانده شده است. برای ثبت بخشی از تاریکی‌های حاکمیت طالبانی، می‌تواند سند معتبری باشد.

متأسفانه سازمان ملل متحد در آن سند چون نهادی منفعل و شرح‌دهنده اوضاع ظاهر شده است. طرح بنیادی برای تغییر وضعیت ندارد و به تاسی از موضع تمویل‌کننده‌گان و حامیان اصلی آن سازمان، وضعیت موجود را تنها شرح داده و برای کاهش رنج قربانیان، نه نجات آنان، پلان احتمالی و مشروط پیشنهاد کرده است. نقش تسکینی نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد، نجات ملت‌های جنگ‌زده و گرفتار بلاهای استخباراتی و تروریستی را به تاخیر می‌اندازد و امیدها و تکیه‌گاه‌های کاذب برای مردم تحت ستم خلق می‌کند. از این رو قضاوت در مورد این که آیا حمایت‌های مالی که از کانال سازمان ملل متحده به افغانستان می‌ریزد، به دوام ستم طالبانی یاری می‌رساند و یا عمر آن را کوتاه می‌کند، آسان نیست. از یک سو گرسنگی و بی‌پناهی جاری مردم در نبود این کمک‌های حداقلی می‌تواند به فاجعه جبران‌ناپذیر بشری بدل گردد، طوری که صدها هزار انسان و شاید میلیون‌ها تن صرفاً به دلیل نبود غذا جان خود را از دست بدهند. از سوی دیگر، این مسکن‌ها استبداد طالبانی را برای مردم ناچار «تحمیل‌پذیر» می‌کند و به شریان‌های اداری و مالی آن گروه نیز حیات می‌بخشد. حضور سازمان ملل و دیگر نهادهای خارجی بدون شک از خشونت‌های تروریستی طالبان کاسته و تعلیقی را بر بی‌رحمی طالبان اعمال کرده است، اما در عین حال به دوام و تثبیت حاکمیت آن گروه نیز کمک کرده و هر گونه تلاش و مبارزه فراگیر ملی را علیه حاکمیت تحمیلی گروه بدوی و مستبد، به امید تدابیر احتمالی بین‌المللی، به تاخیر انداخته است. بدون حمایت‌ها و چشم‌فروستن‌های بین‌المللی، امارت طالبان نمی‌توانست دوباره شکل گیرد و دوام کند. پس از این نیز، بدون بندل‌های دالر و حمایت‌های بین‌المللی، آن امارت ضد آزادی، ضد زن، ضد تعلیم و ضد کار نمی‌تواند دوام بیاورد. مساله این است که چطور بتوانیم از این وابستگی و اعتیاد به کمک‌های بشری و حالت احتضار ناشی از آن، بیرون شویم.

دو جوان افغان برنده جایزه سالانه بنیاد شاه‌دخت دایانا شدند



۸صبح، کابل: صابره سید و محمد جاوید امانی، دو جوان افغان که در بخش‌های حقوق بشر و آموزش فعالیت داشتند، برنده جایزه سال ۲۰۲۳ بنیاد شاه‌دخت دایانا شناخته شده‌اند. نتایج برنده‌گان این جایزه روز یکشنبه، ۱۱ سرطان، در وبسایت این بنیاد اعلام شد. بنیاد شاه‌دخت دایانا که همه‌ساله جوایزی را به جوانان تاثیرگذار در جهان اهدا می‌کند گفته است که صابره سید، دختر افغان، به‌رغم شرایط دشوار در افغانستان، توانسته که با ایجاد یک مرکز آموزشی، برای بیش از ۱۰ هزار دختر زمینه آموزش را فراهم کند.

به گفته این نهاد، صابره همچنان در زمینه کاهش ازدواج‌های اجباری و زیرس و موانع فرهنگی فرا راه تحصیل دختران به آنان کمک می‌کند. یکی دیگری از برنده‌گان جوایز بنیاد شاه‌دخت دایانا هم محمد جاوید امانی است. وی به‌دلیل ایجاد نهادی زیر نام «CHANGE MAKERS OF THE WORLD» در بخش‌های مختلف از جمله رشد جامعه، مسایل حقوق بشری و آموزش به این جایزه دست یافته است. این جوان افغان در سال ۲۰۲۱، برای مشارکت جوانان در روند صلح بین‌افغانی نیز نقش مهمی را ایفا کرده است.

گفتنی است که جوایز سالانه بنیاد شاه‌دخت دایانا، همه‌ساله پس از یک پروسه طولانی به جوانانی در سطح جهان تعلق می‌گیرد که در مسایل حقوق بشری، آموزش و ایجاد رفاه در جوامع کار کرده باشند.

در کنار این دو جوان، ده‌ها تن دیگر از کشورهای مختلف، از جمله پاکستان، هند و امارات متحده عربی برنده این جایزه شده‌اند. شاه‌دخت دایانا فرانسس اسپنسر عضوی از خانواده سلطنتی بریتانیا، همسر نخست چارلز سوم و مادر ویلیام و هری بود. او برای فعالیت‌هایش در زمینه کمک به بنیادهای خیریه بین‌المللی شناخته شده است.

نیروهای بریتانیایی در افغانستان ممکن ۸۰ غیرنظامی را کشته باشند



۸صبح، کابل: بر بنیاد تحقیقات یک سازمان حقوقی بریتانیایی به نام «لی دی Leigh Day» که از ماه دسامبر ۲۰۲۲ آغاز شده، نیروهای ویژه بریتانیا در افغانستان بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ ممکن دست‌کم ۸۰ غیرنظامی افغان را کشته باشند.

روزنامه گاردین روز یکشنبه، ۱۱ سرطان، با نشر گزارشی نوشته که وکلای مدافع «خانواده‌های داغ‌دیده» در یک تحقیق عمومی گفته‌اند که ممکن است ۸۰ افغان قربانی قتل‌های کوتاه مدت توسط سه واحد مجزای نیروهای بریتانیا شده باشند که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در افغانستان فعالیت می‌کردند.

در این گزارش آمده است: «اعتقاد بر این است که یکی از سربازان نخبه در یک سفر شش ماهه به‌عنوان بخشی از یک سیاست ادعایی برای خاتمه دادن به همه مردان در سن جنگ در خانه‌های مورد حمله بدون توجه به تهدیدی که آن‌ها ایجاد می‌کنند، شخصا ۳۵ افغان را کشته است.»

طبق گزارش، تحقیقات جدید در مورد ادعاهای مطرح شده دسامبر ۲۰۲۲ آغاز شد؛ زمانی که وزارت دفاع بریتانیا پس از چند سال مقاومت مقابل اتهام‌های وارده به نیروهای ویژه بریتانیا، اجازه داد تحقیقات مستقل در این رابطه آغاز شود.

لرد جاستیس هادون کیو، قاضی ارشد انگلستان و ولز از شغل خود استعفا کرده و مسوولیت بررسی پرونده جنایت‌های احتمالی نیروهای ویژه بریتانیا در افغانستان را بر عهده گرفته است. این تحقیقات نشان داده است که قتل افغان‌ها زمانی صورت می‌گرفت که آن‌ها پس از بازداشت ناگهان به

تفنگ یا نارنجک دستی دسترسی پیدا می‌کردند، اما در پنج حادثه مشابه تعداد افرادی که کشته شده بودند در مقایسه به تعداد تفنگ‌های به‌دست آمده بسیار زیاد بود.

بر پایه گزارش گاردین، در آن زمان افسران ارشد بریتانیایی از طریق ایمیل نگرانی خود را از این قتل‌ها ابراز کرده بودند. در این ایمیل‌ها هشدار داده شده بود که «به نظر می‌رسد یک بی‌اعتنایی اتفاقی نسبت به زندگی وجود دارد.»

سربازان نخبه بریتانیایی واحد «اس‌ای‌اس SAS» در آخرین مراحل استقرار طولانی و خونین نظامی این کشور در ولایت هلمند که در سال ۲۰۱۴ به پایان رسید، برای یافتن طالبان به‌طور معمول از طرف شب به خانه‌ها حمله کردند.

این در حالی است که موضوع ارتکاب جنایات جنگی نظامیان خارجی مستقر در افغانستان، تنها به نیروهای بریتانیا خلاصه نمی‌شود.

در آخرین مورد، دولت استرالیا در مورد جنایات جنگی سربازانش در افغانستان تحقیقات وسیعی را آغاز کرد. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در گفت‌وگو با شبکه اس‌بی‌اس از بازرسان استرالیایی دعوت کرد تا برای بررسی «صادقانه» جنایات جنگی سربازان این کشور به افغانستان بیایند.

جسد یک نظامی پیشین در نگرهار پیدا شده است

۸صبح، نگرهار: منابع محلی در نگرهار می‌گویند که جسد یک نظامی پیشین در این ولایت پیدا شده است. منابع می‌گویند که این فرد نقیب‌الله نام داشت و جسدش ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، در منطقه دامان، از مربوطات ناحیه هشتم شهر جلال‌آباد پیدا شده است.

به گفته منابع، نقیب‌الله باشنده اصلی ولایت کنر

ثبت سه مورد تازه؛ آمار خودکشی طی یک ماه در غزنی به ۱۳ تن رسید

۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که سه پسر نوجوان در این ولایت طی سه روز گذشته خودکشی کردند و آمار این رویدادها در غزنی را به ۱۳ تن در یک ماه رساندند.

منابع، روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، گفتند که رویدادهای تازه خودکشی در مرکز و ولسوالی خواجه‌عمری رخ داده است.

به گفته منابع، یک کودک ۱۴ ساله روز سوم عید قربان در روستای قلعه‌نو ولسوالی خواجه عمری خود را حلق‌آویز کرد.

در همین حال، یک منبع در شفاخانه ولایتی غزنی به روزنامه ۸صبح تایید کرده که دو پسر نوجوان دیگر که ۱۲ و ۱۵ سال سن داشتند، در روزهای شنبه و یکشنبه، ۱۰ و ۱۱ سرطان، در مرکز غزنی، خودکشی کرده‌اند.

تا کنون انگیزه این رویدادها روشن نیست. مسوولان محلی طالبان در غزنی هم تا هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، شمار واقعات خودکشی در میان جوانان و نوجوانان به‌دلیل مشکلات اقتصادی و روانی افزایش یافته است.



یونیسف: به ۱۹ میلیون افغان در سال جاری خدمات صحتی ارائه کردیم

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) می‌گوید که از آغاز سال جاری میلادی تا کنون، برای ۱۹ میلیون افغان در بخش صحت و تغذیه مادران و کودکان در افغانستان، کمک کرده است.

یونیسف روز یکشنبه، ۱۱ سرطان، در توییتی نوشته که در سال روان، مراکز صحتی را با حمایت کارمندان صحتی باز نگهداشته و از این طریق خدمات ارائه کرده است.

این نهاد با حمایت مالی بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی، هزاران مرکز صحتی در سراسر کشور را با ۲۷ هزار کارمند از فروپاشی بازداشته است.

این در حالی است که صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد ماه گذشته گفت که تنها در ماه اپریل، ۴۸ هزار و ۸۰۰ کودک مبتلا به سوءتغذیه شدید در افغانستان را درمان کرده است.

این نهاد بین‌المللی برعلاوه ارائه خدمات در بخش صحت، در زمینه آموزش نیز در افغانستان کمک کرده است. اما فعالیت این نهاد در بخش آموزش به‌دلیل ممنوعیت از سوی طالبان در این اواخر مختل شده و حرف‌وحدیث‌هایی در مورد واگذاری برنامه‌های آموزشی این نهاد به طالبان نیز وجود دارد.



چارچوب استراتژیک یوناما؛

افغانستان در معرض بحران بی‌سابقه قرار دارد

امین کاوه



آن روبه‌رویند. از نظر این نهاد، ممنوعیت کار زنان در سازمان ملل متحد و محدودیت‌های اعمال شده قبلی توسط طالبان علیه زنان و دختران، تاثیر منفی بر ارایه کمک‌های انسانی در افغانستان گذاشته است.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در این سند تازه گفته است که دستورهای طالبان و ممنوعیت‌های اعمال شده آنان فعالیت‌های فزینگی زنان و دختران و مشارکت آن‌ها در زنده‌گی اقتصادی، اجتماعی و عمومی را محدود می‌کند. یوناما ابراز امیدواری کرده که سازمان ملل بتواند این چارچوب را به‌طور کامل اجرا کند، اما تاکید کرده که تحقق اهداف این سند به اقدامات طالبان و حمایت تمویل‌کننده‌گان بسته‌گی دارد.

در چارچوب استراتژیک جدید یوناما برای افغانستان، رویکرد سازمان ملل متحد برای رسیده‌گی به نیازهای اساسی بشری، تعریف شده است. در این سند تذکر رفته که علاوه بر رسیده‌گی به نیازهای بشری، کمک به اقلیت‌های جنسیتی، کوچی‌ها، افراد دارای معلولیت، مدافعان حقوق بشر، معتادان مواد مخدر و مبتلایان به HIV، نیز در فهرست اولویت‌های کاری این نهاد قرار دارند. در چارچوب جدید یوناما برای افغانستان، گفته شده که رویکردی را برای شناسایی و دستیابی به راه‌حل‌های بادوام برای جابه‌جایی‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه، تغییرات آب‌وهوا و بلایای طبیعی اتخاذ خواهد کرد.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان در حالی از چارچوب استراتژیک جدید این نهاد سخن می‌گوید که طالبان کار زنان افغان در این نهاد را ممنوع کرده‌اند. پیش از این سازمان ملل متحد در افغانستان، ممنوعیت کار زنان در این نهاد را در تضاد با منشور سازمان ملل متحد خوانده بود. سازمان ملل گفته بود که مجبور است بین ماندن و زیر پا گذاشتن اصول و رفتن و رعایت منشور این سازمان، دست به تصمیم «هولناک» بزند.

این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با صدور قطع‌نامه‌ای، تصمیم طالبان درباره ممنوعیت کار زنان افغان در سازمان ملل متحد را نکوهش کرده و خواستار لغو این تصمیم شده است. این شورا، از ادامه کار یوناما در افغانستان پشتیبانی کرده است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل اما از ادامه ممنوعیت کار زنان و بی‌سرنوشتی آنان در این چارچوب استراتژیک خود سخن نگفته است.

فقر زنده‌گی می‌کنند. در این بیانیه تصریح شده که افغانستان در مقیاس بی‌سابقه در میان بحران قرار دارد.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در چارچوب استراتژیک جدید خود گفته است که تیم کشوری این سازمان و شرکایش، سه اولویت مشترک تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده را شناسایی کرده‌اند. خدمات ضروری پایدار از نخستین اولویت‌های این چارچوب جدید است که شامل صحت، تغذیه، تعلیم و تربیه، استخدام، آب، حفظ‌الصحه، حفاظت اجتماعی و حفاظتی که برای همه قابل دسترس، ارزان و بدون تبعیض است، می‌شود. یوناما گفته که فرصت‌های اقتصادی و معیشت تقویتی از طریق ایجاد محیط توان‌مند که رشد اقتصادی و فراهم کردن فرصت‌های شغلی مناسب را به‌ویژه برای گروه‌های محروم مانند زنان تسهیل کند، در صدر برنامه‌های چارچوب استراتژیک جدیدش قرار دارد.

براساس بیانیه خبری این نهاد، انسجام اجتماعی، شمولیت، برابری جنسیتی، حقوق بشر و حاکمیت قانون - به‌عنوان پیش‌نیازهای توسعه پایدار و صلح در افغانستان - تقویت مشارکت جامعه مدنی و حمایت از هم‌سویی چارچوب‌های تنظیمی و قانونی افغانستان با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از محورهای دیگر این سند جدید سازمان ملل است.

با این حال، دانیل اندرس، معاون نماینده خاص دبیرکل و هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، گفته است که کمک‌های بشردوستانه به تنهایی برای رسیده‌گی مداوم به درد و رنج بزرگ و فزاینده انسانی مردم افغانستان در میان‌مدت و طولانی‌مدت کافی نیست. او تاکید کرده که باید تلاش‌های بشردوستانه برای رفع نیازهای اساسی انسانی تکمیل و تقویت شود. به گفته این مقام سازمان ملل، هدف باید کاهش حجم پرونده‌های بشردوستانه در طول زمان و حمایت از مردم به‌ویژه زنان و دختران و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر باشد.

در چارچوب استراتژیک جدید سازمان ملل متحد آمده است که تمرکز خاصی بر ارایه کمک‌های اصولی در پاسخ به محیط محدودکننده رو به افزایش صورت گرفته است که شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان به

۶۶

در بیانیه خبری یوناما آمده است که این چارچوب استراتژیک برای دوره ۲۰۲۳ - ۲۰۲۵، در نظر گرفته شده است. در این بیانیه، رسیده‌گی به نیازهای اساسی انسانی در افغانستان، اولویت دادن به نیازها و حقوق افراد آسیب‌پذیر از جمله زنان و دختران، بی‌جاشده‌گان داخلی، پناهنده‌گان و اقلیت‌های قومی و مذهبی از اهداف اساسی این چارچوب خوانده شده است. یوناما گفته که این چارچوب استراتژیک در مشوره نزدیک با کشورهای عضو سازمان ملل، شرکا و سایر دست‌اندرکاران این نهاد، ایجاد شده است. در این سند گفته شده که تمرکز خاصی بر ارایه کمک‌ها در محیط محدودکننده رو به افزایش صورت می‌گیرد، اما تاکید شده که کمک‌های بشردوستانه به تنهایی برای رسیده‌گی به درد و رنج بزرگ و فزاینده مردم در میان‌مدت و طولانی‌مدت کافی نیست.

ما یک پیشنهاد قوی برای کمک به مردم افغانستان برای رفع نیازهای اولیه انسانی آن‌ها و تکمیل‌کننده کمک‌های جاری بشردوستانه نجات‌دهنده است.» در متن بیانیه دفتر هیات معاونت سازمان ملل گفته شده که این چارچوب استراتژیک در مشورت نزدیک با کشورهای عضو، شرکا و دست‌اندرکاران این نهاد، ایجاد شده است.

یوناما می‌گوید که چندین سال گذشته برای مردم افغانستان بسیار چالش‌برانگیز بوده است. به گفته این نهاد، وضعیت حقوق بشری، حکومت‌داری، وضعیت بشردوستانه و توسعه افغانستان پس از تسلط مجدد طالبان به‌شدت بدتر شده است. به گفته این نهاد، برابری جنسیتی و توان‌مندسازی زنان در اقتصاد این کشور بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل افزوده است که ۲۴.۴ میلیون تن نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند و از هر ۱۰ تن، ۹ تن در کشور در

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) با نشر چارچوب استراتژیک جدید خود، اعلام کرده است که افغانستان در مقیاس بی‌سابقه در بحران قرار دارد. یوناما می‌گوید که این چارچوب «برای دوره ۲۰۲۳ - ۲۰۲۵» در نظر گرفته شده و اولویت‌های سازمان ملل را در حمایت از مردم افغانستان مشخص می‌کند. رسیده‌گی به نیازهای اساسی انسانی در افغانستان و اولویت دادن به نیازها و حقوق افراد آسیب‌پذیر از جمله زنان و دختران، بی‌جاشده‌گان داخلی، پناهنده‌گان و اقلیت‌های قومی و مذهبی از اهداف اساسی این چارچوب خوانده شده است. یوناما گفته که این چارچوب استراتژیک در مشوره نزدیک با کشورهای عضو سازمان ملل، شرکا و سایر دست‌اندرکاران این نهاد، ایجاد شده است. در این سند گفته شده که تمرکز خاصی بر ارایه کمک‌ها در محیط محدودکننده رو به افزایش صورت می‌گیرد، اما تاکید شده که کمک‌های بشردوستانه به تنهایی برای رسیده‌گی به درد و رنج بزرگ و فزاینده مردم در میان‌مدت و طولانی‌مدت کافی نیست.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، با نشر بیانیه رسمی، چارچوب استراتژیک این نهاد تا سال ۲۰۲۵ را معرفی کرده است. در بیانیه خبری یوناما آمده است که این چارچوب استراتژیک برای دوره ۲۰۲۳ - ۲۰۲۵، در نظر گرفته شده است. در این بیانیه، رسیده‌گی به نیازهای اساسی انسانی در افغانستان، اولویت دادن به نیازها و حقوق افراد آسیب‌پذیر از جمله زنان و دختران، بی‌جاشده‌گان داخلی، پناهنده‌گان و اقلیت‌های قومی و مذهبی از اهداف اساسی این چارچوب و اولویت‌های سازمان ملل در حمایت از مردم افغانستان خوانده شده است.

دفتر هیات سازمان ملل متحد در این بیانیه خبری به نقل از رزا اوتنباوا، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل برای افغانستان، نوشته است: «چارچوب استراتژیک

ادامه محدودیت‌های طالبان بر زنان؛

آرایشگاه‌های زنانه از اوایل ماه آینده اجازه فعالیت ندارند



خانواده‌های‌شان می‌شود. یلدا عزیزی (نام مستعار) دست‌کم ده سال است که در گوشه‌ای از شهر چاریکار پروان آرایشگاه زنانه دارد. او با ابراز نگرانی از منع فعالیتش، می‌گوید که با بسته شدن دروازه آرایشگاه‌های زنانه، هزاران خانواده درآمدشان را از دست خواهند داد. به گفته او، بیشتر زنان آرایشگر تنها نان‌آوران خانواده‌های‌شان هستند و طالبان نباید حق کار را از آنان بگیرند. عزیزی تصریح کرد: «با شنیدن خبر ممنوعیت فعالیت آرایشگاه زنانه، روز روشن بلاایم شب شد؛ چون ما ۱۵ عضو خانواده هستیم و این آرایشگاه هزینه زنده‌گی ما را تامین می‌کرد، اما حالا چه کار کنیم؟ پنج شاگرد هم دارم که از ۵ تا ۱۰ هزار ماهانه معاش می‌گیرند و این‌ها هم بیکار و بی‌سرنوشت خواهند شد.»

ادامه در صفحه ۵

سیاست‌های وزارت امر به معروف طالبان صادر و یک نسخه آن به اتحادیه آرایشگران فرستاده شده است. این اقدام طالبان با واکنش‌هایی در سطح کشور مواجه شده است. برخی آرایشگران می‌گویند که چنین اقدامی سبب از دست رفتن نفقه

شیوه بتوانند شرایط زنده‌گی را بر زنان بیشتر از پیش «تنگ» سازند. آنان این اقدام را «جفا» در حق مردم افغانستان عنوان می‌کنند و از بی‌تفاوتی جهان در مورد اقدامات زن‌ستیزانه طالبان شکایت دارند. به دنبال اعمال محدودیت‌های پیهم بر کار، آموزش و گشت‌وگذار زنان، وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در مکتوبی فعالیت آرایشگاه‌های زنانه را منع کرده است. این مکتوب روز یک‌شنبه، ۱۱ سرطان، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و براساس محتوای آن، از ۳ سرطان تا ۳ اسد سال روان به آرایشگاه‌های زنانه شهر کابل و ولایات وقت داده شده است که بعد از زمان معینه فعالیت‌شان ممنوع است. افزون بر این، جواز و قراردادهای آنان نیز از آغاز اسد سال روان خورشیدی فاقد اعتبار اعلام شده است. این فرمان با امضای محمدفقیر محمدی، معاون مسلکی و

۸ صبح، پروان

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان فعالیت آرایشگاه‌های زنانه در کشور را منع کرده است. این وزارت در مکتوبی گفته است که براساس دستور شفاهی ملا هبیت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، آرایشگاه‌های زنانه از ۳ اسد سال جاری خورشیدی اجازه فعالیت نخواهند داشت. به این ترتیب جواز کار هزاران آرایشگاه در سراسر کشور لغو خواهد شد. این تصمیم واکنش‌های تند شهروندان را به همراه داشته است. شماری از آرایشگران زن می‌گویند که چنین فرمانی سبب افزایش بیکاری در میان زنان می‌شود و طالبان باید آن را لغو کنند. فعالان حقوق زن نیز تصریح می‌کنند که منع فعالیت آرایشگاه‌های زنانه، ادامه اقدام‌های زن‌ستیزانه طالبان است تا به این

شهاب

شماری از صاحب‌نظران در انتقاد از مردم افغانستان می‌گویند که آن‌ها سیاست‌زده هستند و بدون آن که آگاهی لازم و کافی از پیچیده‌گی‌های سپهر سیاست داشته باشند، به سیاست وارد می‌شوند و به همه چیز از عینک سیاسی نگاه می‌کنند و به مقولات دیگر و سایر جوانب زنده‌گی کمتر توجه نشان می‌دهند. شاید این سخن تا حدودی درست باشد، اما سوال اصلی این است که چه عواملی موجب شده مردم این کشور سیاست‌زده بار بیایند؟ مردم افغانستان از نظر بیولوژیک، تفاوتی با ملت‌های دیگر ندارند. بنابراین، علل و عواملی در کار بوده و رفتار مردم این کشور در باب سیاست را به‌صورت متفاوت‌تری شکل داده است. به نظرم، یکی از این عوامل این است که سیاست در این کشور بر همه عرصه‌های زنده‌گی تسری می‌یابد و همه جوانب زنده‌گی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در کشورهای دیگر، با تغییر سران نظام سیاسی، تحول محسوسی در زنده‌گی روزمره مردم رونما نمی‌شود، حال آن که تغییر نظام سیاسی در افغانستان، انقلاب ژرف در همه زمینه‌ها پدید می‌آورد و زنده‌گی مردم را از بیخ به هم می‌ریزد. قدرت سیاسی حق تصرف در همه شئون اهالی این مرزوبوم را دارد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، با بازگشت طالبان به قدرت، تحول ژرف در زنده‌گی مردمی که راهی برای فرار از کشور نیافتند صورت گرفته است. حیات دینی مردم یکی از آن عرصه‌هایی بود که به کلی چهره عوض کرد. با وصف آن که ملاهای مترجع و تاریک‌اندیش، از گذشته در جامعه حضور داشتند و می‌کوشیدند دیدگاه‌های خود را بر مردم تحمیل کنند، اما قدرت‌گیری دوباره گروه طالبان، فرصت طلایی فراهم آورد تا عقب‌گرایان، یکه‌تاز میدان شوند و بدون مواجه شدن با مانع و چالش، برنامه‌های خود را پیش ببرند. اکنون ملاهای مورد حمایت طالبان در مساجد افغانستان، نه تنها به وعظ و ارشاد خلاق می‌پردازند بلکه در جزئی‌ترین امور زنده‌گی اهالی منطقه‌ای که در آن مشغول پیش‌نمازی‌اند و تلاش می‌کنند کارها را مطابق میل رژیم حاکم بچرخانند و در جزئی‌ترین مسایل زنده‌گی مردم دخالت می‌ورزند و امر و نهی می‌کنند و اگر گاهی برای تطبیق خواسته‌های خود با مانعی برخوردند از طالبان کمک می‌گیرند.

در این میان، برگشت طالبان، ملاهای ساخته‌گی و جعلی را در راس امور قرار داده که نه تحصیل چندانی در عرصه دین دارند و نه از سواد عمومی کافی بهره‌مندند و هنرشان این است که وفاداری‌شان به رژیم طالبان به اثبات رسیده است. علاوه بر آن، امتیاز دیگرشان که باعث شده قادر شوند درجه ملایی را به‌دست آورند این است که دستار بزرگی در سر می‌پیچانند و ریش دراز دارند. در گذشته‌ها، عمامه بزرگ داشتن، نشانه تقوا و پارسایی بوده، اما در سایه رژیم طالبان، عمامه بزرگ و ریش انبوه داشتن، پیش‌نیاز رسیدن به درجه ملا یا مولوی‌گری است. در این بین آنچه از اهمیت کمتری برخوردار است،

فاجعه‌ای به‌نام ملاسائاری



دانش و تحصیل است. وقتی قدرت سیاسی تصمیم بگیرد از شخصی حمایت کند و وی را مسوول امور دینی، قضایی و سیاسی مردم بسازد، تحصیل و تخصص کمترین اهمیتی نخواهد داشت.

مولوی بودن در نظام طالبان یعنی همه‌کاره بودن. کافی است سندی از یک مدرسه دینی از یک منطقه دورافتاده پاکستان بیاورید تا همه درها به‌روی‌تان باز شود و زنده‌گی روی خوشش را به شما نشان دهد و به چیزهایی برسد که اصلاً خواب آن‌ها را هم نمی‌دیدید. شما به محض این که سندی نشان بدهید دال بر این که در گذشته از همفکران طالبان بوده‌اید، می‌توانید در کنار این که مدارک علمی معتبر را به‌دست آورید، به مناصب کلان حکومتی دست یابید. دانشجویان در دانشگاه کابل می‌گویند که به‌تازه‌گی ملاهایی به استادی در این دانشگاه رسیده‌اند که با بدیهیات فضای دانشگاهی آشنایی ندارند و سعی هم نمی‌کنند آشنا شوند. آنان هنری جز وفاداری به رژیم طالبان ندارند. در سایه حاکمیت طالبان، کسانی به بالاترین مناصب قضایی رسیده‌اند که از نوشتن یک سطر بی‌غلط عاجزند و مجبورند از محرران نظام جمهوریت برای پیشبرد کارها یاری طلبند. همین اکنون رییس اداره تنظیم امور زندان‌های طالبان، شخصی به‌نام مولوی یوسف مستری است. این فرد را به آن علت «مستری» می‌گویند که در زمان فعالیتش علیه نظام جمهوری، مشغول مستری‌گری بوده و در کنار فعالیت‌های تروریستی مستری‌گری

هم می‌کرده است. این شخص که شغل اصلی‌اش مستری‌گری است، در پاداش به فعالیت‌هایش علیه نظام جمهوری، به ریاست تنظیم امور زندان‌ها رسیده و لقب «مولوی» را هم دریافت کرده است.

به‌طور قطع، ملاکراسی پیامدهای ناگوار جبران‌ناپذیری دارد و افغانستان را بیشتر از پیش به قهقرا می‌کشاند و سیستم‌های برجامانده از گذشته را دستخوش فروپاشی می‌کند. آیا طالبان از فهم این نکته ناتوان هستند؟ معلوم نیست که آیا رهبران طالبان به پیامدهای این کار فکر کرده‌اند یا خیر، اما علت اتکای بیش از حد رژیم طالبان بر ملاها و ملانماها این است که این گروه از زمان ظهور تا کنون، برای فریب افکار عمومی، به شعارهای دینی متوسل شده و خود را مدافع ارزش‌های دینی جلوه داده است. اکنون نیز با در راس امور قرار دادن اشخاصی که ظاهراً ملا و مولوی هستند، می‌خواهد به پیروانش بقبولاند که این گروه به اهداف اولیه‌اش وفادار باقی مانده است. مردم افغانستان هم که از یک‌سو معتقد به اسلامند و از جهت دیگر بیشتر آن‌ها توان تحلیل و تجزیه درست مسایل را ندارند، ممکن است به‌آسانی فریب ظواهر را بخورند و نتیجه‌گیری کنند که طالبان به دین اهمیت می‌دهند.

با وصف آن که هرگز عقلانی نیست همه کارها به‌دست ملاها سپرده شود، چرا که ملاها فقط در یک حوزه تخصص دارند و از مسایل بیرون از حیطه تخصص‌شان چیزی نمی‌دانند؛ فاجعه واقعی زمانی روی می‌دهد که

ملاها و مولوی‌های طالبانی در حوزه دین هم تخصص و اشراف نداشته باشند و فقط ظاهر ملاگونه داشته باشند؛ دستار بزرگ بر سر بگذارند و دارای ریش انبوه باشند. ریاکاری و عدم صداقت طالبان از این‌جا نمایان می‌شود که آن‌ها در استخدام ملاها تخصص و آگاهی را ملاک قرار نمی‌دهند بلکه تنها به آن بخش از ملاهایی تکیه می‌کنند که وفادار به رهبران‌شان باشند و چنین ملاهایی غالباً زمان زیادی را برای یاد گرفتن علوم دینی سپری نکرده‌اند و در جبهات جنگ یا در عقب جبهات، مصروف فعالیت علیه نظام پیشین بوده‌اند. طالبان بیش از این که به تخصص اهمیت قابل شوند به تعهد افراد به ایدئولوژی طالبان ارزش می‌دهند و این برای حکومت‌داری زهر قاتل است.

این برداشت در میان عوام وجود دارد که شرط مهم برای ملا و مولوی شدن این است که ریش انبوه و دستار بزرگ داشته باشید. این موضوع اختصاصی به کشور ما ندارد بلکه در کشورهای دیگر اسلامی نیز کم‌وبیش معمول است. صاحب‌نظری تعریف می‌کرد که در یک کنفرانس علمی شرکت کرده بودم که به یکی از مباحث مهم دینی می‌پرداخت. یکی از شرکت‌کننده‌گان در بخش مخاطبان این کنفرانس اعتراض کرد که چرا در میان افرادی که قرار است در این کنفرانس سخنرانی کنند یک تن از علمای دین حضور ندارد. به گمان او، عدم حضور عالم دین در این کنفرانس، مشروعیت آن را زیر سوال می‌برد.

بسیار تلاش کردیم قناعتش دهیم که اشتباه می‌کند. گفتیم که یکی از سخنرانان، رییس پیشین یکی از دانشگاه‌هایی است که اختصاص به مطالعات اسلامی دارد و همچنین این فرد استاد مضمون عقیده اسلامی در دانشگاه بوده است. وی همچنان چندین کتاب در باب مسایل دینی نوشته است. با همه این‌ها، شخص معترض کوتاه نمی‌آمد. سرانجام یکی از سخنرانان این کنفرانس برایش گفت: پسرم، تو می‌خواهی فرد صاحب دستار و ریش انبوه را ببینی و او طوری سخن بزند که گویا خطبه نماز جمعه را ایراد می‌کند، و همین برایت کافی است و اصلاً بعد از آن برایت فرقی نمی‌کند که آن شخص، یخچال‌فروش باشد یا مستری موتورسایکل. از این حرف همه خندیدند. در هر حال، اکنون وضعی پیش آمده که کافی است به امارت طالبانی وفادار باشید و ریش و دستار داشته باشید و لباسی شبیه عالم دین بپوشید تا بتوانید به همه سوال‌ها پاسخ دهید و حتا مدیریت پیچیده اقتصاد را به‌دست بگیرید و به‌جای اسحاق نیوتن بنشینید و از جاذبه زمین سخن بگویید یا به انشتاین درس ریاضیات بدهید. وقتی قدرت سیاسی هم حمایت‌تان کند به پیامد کارهای‌تان اصلاً نمی‌اندیشید و در آن صورت می‌توانید به‌جای خدا هم بنشینید و قدرت نفس کشیدن را از مردم بگیرید و سرنوشت میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازید. فاجعه‌ای در حال روی دادن است که فقط افرادی عمق و پهنای آن را درمی‌یابند که از نزدیک شاهد اتفاقات باشند.

پیامدهای ناخواسته کمک تسلیحات غرب به اوکراین

نییل آریایی

جنگ اوکراین با همه اما و اگرهای آن هنوز جریان دارد و ظاهراً نه روسیه از موفقش عقب‌نشینی می‌کند و نه هم اوکراین. این کشور درست مانند افغانستان به میدان جنگ روسیه و ایالات متحده امریکا بدل شده است؛ جنگی که هیچ‌کس نمی‌داند چه زمانی تمام خواهد شد.

از آن‌جایی که ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپایی خود عامل برپایی این جنگ هستند، هنوز از اوکراین حمایت می‌کنند؛ عاملی که سبب می‌شود این جنگ بیشتر به درازا بکشد و اوکراین همچنان میدان جنگ قدرت‌های بزرگ بماند.

از زمان آغاز جنگ اوکراین و روسیه، ایالات متحده و کشورهای اروپایی به اوکراین تسلیحات نظامی کمک کرده‌اند و این کمک‌ها کماکان ادامه دارد. بخشی از این کمک‌ها، سلاح و مهمات به‌جامانده از شوروی سابق در انبارهای سلاح برخی از کشورهای کمک‌کننده بوده و برخی دیگر نیز سلاح‌های پیشرفته جدید است که تهدید بزرگی برای منطقه و جهان به‌حساب می‌آید.

سامانه‌های موشکی ضد هوایی و ضد تانک،

موشک‌های پرتاب چندگانه، موشک‌های دوربرد و شمار دیگری از سلاح‌های پیشرفته را می‌توان از جمله این تسلیحات نام برد.

تنها کشورهای اروپای شرقی (لهستان، اسلواکی، جمهوری چک، بلغارستان، مقدونیه شمالی) ۴۱۰ تانک، ۲۵۰ خودروی جنگی پیاده نظام شوروی، ۵۹ هواپیما و مقادیر عظیم مهمات توپخانه‌ای و سلاح‌های سبک و سنگین را به کی‌یف کمک کرده‌اند.

انتقال سلاح و مهمات جدا از این که منجر به تشدید و گسترش جنگ در اوکراین می‌شود، اصول صادرات سلاح را نیز زیر سوال می‌برد؛ زیرا تمام کشورهای اروپایی در مورد صادرات سلاح موقف مشترک داشته و آن را خلاف پالیسی خود دانسته‌اند. اکنون صادرات سلاح به‌صورت نامحدود، امکان دستیابی گروه‌های تروریستی به این سلاح‌ها را بالا برده و خطرات ناشی از حملات تروریستی را نیز به‌وجود می‌آورد.

همان گونه که روسیه همواره نگرانی‌اش را از امنیت سرحداتش ابراز می‌کند و حتا این نگرانی سبب آغاز جنگ شد، حالا صادرات اسلحه به پیمان‌ه فراوان این نگرانی را نه تنها برای روسیه بل برای سایر کشورهای همجوار روسیه نیز به‌وجود می‌آورد.

این در حالی است که در سال ۲۰۱۴ معاهده

بین‌المللی تجارت تسلیحات لازم‌الاجرا شد که براساس آن، روی صادرات سلاح محدودیت وضع شده و هر کشوری که ناقض این معاهده باشد و سبب به خطر افتادن صلح و امنیت جهانی و آسیب رساندن به حقوق بشر شود، بدون تبعیض مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در حالی که اتحادیه اروپا خود مغز متفکر این طرزالعمل است، به گفته مقام‌های روسی، این طرزالعمل توسط بلغارستان، لهستان، اسلواکی، جمهوری چک و تعدادی از کشورهای عضو ناتو که در تلاش خرید سلاح‌های شوروی در سراسر جهان هستند، نقض شده است.

تهیه سیستم S-۳۰۰ توسط سلواک، انتقال ۲۰ فروند چرخبال ۱۷-Mi توسط ایالات متحده که برای حکومت افغانستان خریداری شده بود، تلاش‌های پرتگال برای فراهم‌سازی چرخبال‌های Ka-۳۲ و انتقال ۷۴ تانک T-۷۲b که توسط چک از بلاروس خریداری شده بود، بخشی از این تسلیحات کمکی به اوکراین است. این موارد نقض آشکار موافقت‌نامه‌های مرتبط به کاهش خطر استفاده و انتقال سلاح است که توسط بسیاری از کشورهای غربی پذیرفته شده است که می‌توان از قطعنامه ۶۲/۴۰ مجمع عمومی

کسب پرکار و کم درآمد موهالیم راسپید کرد

شغل ۴۰ ساله عبدالسمیع سبب شده است که کاروبار او همچنان بازاری را داشته و مشتریان چندساله‌اش به دیدار او برای خرید چپات و خاککش سر بزنند. عبدالسمیع می‌گوید: «مشتری‌های ما از اطراف هستند، از ولسوالی‌های ادرسکن، کرخ، اوبه، پشتون زرغون، تولک و فرسی همه‌ساله که خاککش، چپات و دلو لازم داشته باشند، می‌آیند و خرید می‌کنند. آن‌ها از هنر دست من راضی هستند.»

۸ صبح، هرات



از دروازه خوش شهر هرات به سوی کوچه/جاده مسگران در حرکت بودم. هوا گرم بود و مردان زیادی که از پیشانی آنان عرق می‌ریخت، در شهر گشت‌وگذار داشتند. فاصله اندکی را سپری کردم. به کوچه معروف مسگران رسیدم. در آن کوچه صدهای چکش با گوش‌ها آشناست. کسبه‌کاران زیادی مصروف شغل چپات‌دوزی، خاک‌کش‌سازی، داس‌سازی و آهنگری‌اند. در کوچه مسگران، کسبه‌کاران زیادی که از دید شهروندان مصروف کارهای «شاقه»‌اند، آشنا به نظر می‌رسند. تعداد زیادی از آنان از سال‌های زیادی تا ۳۰ و ۴۰ سال مصروف یک شغل بوده و به آن ادامه داده‌اند. به رفتن ادامه دادم تا این‌که به اولین دکان رسیدم. مردی کهن‌سال با پرسی جوان مصروف چپات‌دوزی و خاک‌کش‌سازی بودند. پیرمرد که شغل ۴۰ ساله و کم‌درآمد موهالیم را سپید کرده، با نوشیدن چای سیاه مانده‌گی‌اش را رفع می‌کرد و با پسر جوان ۲۲ ساله‌اش سرگرم قصه و کار بود. در کنارشان نشستیم و از جوانی، مدت کار و شغلش پرسیدم. عبدالسمیع، مرد ۵۵ ساله است که به گفته خودش ۴۰ سال می‌شود مصروف شغل چپات‌دوزی است. او در ولسوالی انجیل هرات تولد یافته و در ۱۵ سالگی وارد این شغل شده است. تا کنون که ۵۵ سال از عمرش می‌گذرد، با وجود سفید شدن موهالیم به این کار ادامه داده است.

عبدالسمیع ۱۵ سال داشت که از خانه در ولسوالی انجیل بیرون شد و به سوی شهر راه پیمود تا به کوچه مسگران رسید. او ابتدا با یک «شریک» کار چپات‌دوزی را آغاز کرد و بعدها خودش تنها سرگرم این کار شد که تا حال ادامه داده است. مرد سرسپید کارش را سخت و طاقت‌فرسا توصیف می‌کند، اما از نانی که از آبله کف دستانش به دست می‌آید، راضی است. عبدالسمیع می‌گوید که کارش پرزحمت و کم‌درآمد است. به گفته او، کسان زیادی در سالیان متعددی آمدند و به کسب چپات‌دوزی شروع کردند؛ اما پس از مدتی نسبت به طاقت‌فرسا بودن این شغل آن را رها کردند.

این مرد کار و زنده‌گی خود را این‌گونه روایت می‌کند: «۱۵ ساله بودم که از خانه آمدم به همین منطقه، کوچه مسگران. اول با یک شریک کاروبار را شروع کردم، اما چند سالی که تیر شد، کار خود را جدا کردم و به تنهایی ادامه دادم تا غلام‌حیدر جان بچه‌ام کلان شد. ده سال می‌شود که او هم با من این‌جا در دکان کار می‌کند. یک بچه ماندم از پدر و حالا خودم هم یک بچه دارم. دو تا دختر هم داشتم، آن‌ها به خانه بخت خود رفتند و حالا ما سه نفر در

خانه هستیم، من، غلام‌حیدر و مادر او.» براساس روایت عبدالسمیع، آن‌گونه که کسبش کار زیاد و پرزحمت است، عاید کمی دارد. با آن‌که او از ۴۰ سال به این سو مصروف شغل چپات‌دوزی است، اما فقط کرایه دکان و خرج خانه را پیدا می‌کند. او می‌گوید: «طی این کسب ما کار، زحمت و رنج خیلی است، اما پول نه. از دیگر شغل‌ها که مردم دارند، خوب سرمایه پیدا کرده‌اند، ولی از من همین خرج و خوراک خانه را بیشتر نمی‌شود.» شغل ۴۰ ساله عبدالسمیع سبب شده است که کاروبار او همچنان بازاری را داشته و مشتریان چندساله‌اش به دیدار او برای خرید چپات و خاککش سر بزنند. عبدالسمیع می‌گوید: «مشتری‌های ما از اطراف هستند، از ولسوالی‌های ادرسکن، کرخ، اوبه، پشتون زرغون، تولک و فرسی همه‌ساله که خاککش، چپات و دلو لازم داشته باشند، می‌آیند و خرید می‌کنند. آن‌ها از هنر دست من راضی هستند.»

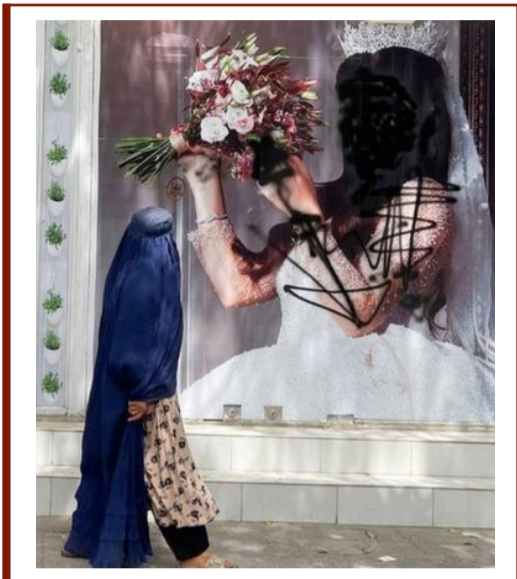
مرد چپات‌دوز کهن‌سال که این شغل موهالیم را سپید و دستانش را پزآبله کرده است، می‌گوید: «تایرها و لاستیک‌ها را از ایران می‌آورند به گمرک، باز من می‌روم، می‌خرم. یک لاستیک به سه قسمت تقسیم می‌شود و هر قسمت از خود قیمت دارد. مثلاً قسمتی که برای چپات به کار است، منی ۶۰ افغانی می‌خرم که یک من ۱۰ جفت چپات می‌شود. قسمتی که برای خاککش به کار است، دانه‌ای به فروش می‌رسد که هر دانه ۱۵۰ افغانی قیمت دارد و دو دانه آن یک خاککش می‌شود.»

او می‌گوید که کارش سخت و عایدش اندک است: «همین حالا یک جوهر چپات را به ۷۰ تا ۱۰۰ افغانی می‌فروشیم و یک خاککش ۴۰۰، دلو ۷۰ و تناب آن را هم متری پنج یا هفت افغانی می‌دهیم. پس از موادی که شامل مخ و دیگر چیزها حساب کنیم، از هر کدام ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ اگر فایده شود. زباله‌هایی هم که از آن‌ها به دست می‌آید، منی ۴۵ یا ۵۰ به کوره‌های خشت‌زنی می‌فروشیم.» عبدالسمیع پس از هر چند دقیقه و ساعتی خسته‌گی‌اش را با نوشیدن چای سیاه رفع می‌کند. به گفته او، چای سیاه رفیق همیشه‌گی‌اش به حساب می‌آید و پس از نوشیدن آن، جانش ملایم می‌شود. در کوچه مسگران هرات مردان زیادی هستند که مانند عبدالسمیع از ۱۰، ۲۰ تا ۳۰ سال یک شغل را پیش می‌برند. به باور آنان، با کارهای شاقه و میراثی خود عادات کرده‌اند و نانی که از این راه پیدا می‌کنند، لقمه‌های حلال زنده‌گی آنان به حساب می‌آید.

ادامه محدودیت‌های طالبان...

به دنبال اعمال

محدودیت‌های پیهم بر کار، آموزش و گشت‌وگذار زنان، وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در مکتوبی فعالیت آرایشگاه‌های زنانه را منع کرده است. این مکتوب روز یکشنبه، ۱۱ سرطان، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و براساس محتوای آن، از ۳ سرطان تا ۳ اسد سال روان به آرایشگاه‌های زنانه شهر کابل و ولایات وقت داده شده است که بعد از زمان معینه فعالیت‌شان ممنوع است.



می‌دانند، اما گدایی‌گری را برای زنان حلال می‌دانند. بند کردن آرایشگاه‌های زنانه که یگانه منبع درآمد شخصی زنان در افغانستان بود، جفا و ظلم واضح در حق مردم افغانستان است که دنیا آن را نادیده گرفته و بی‌تفاوت از کنارش عبور می‌کند، به خاطر این‌که طالبان ابزاری هستند که به تامین منابع جهان در قاره آسیا کار می‌کنند.»

شمیلا توانا ناصری، یکی دیگر از فعالان حقوق زن، در واکنش به منع فعالیت آرایشگاه‌های زنانه می‌گوید که طالبان با این اقدام می‌خواهند شرایط زنده‌گی را بر زنان کشور بیشتر از پیش «تنگ» بسازند. او می‌افزاید: «طالبان حتا خارج از محدوده اسلام عمل می‌کنند و به هر نحو ممکن می‌خواهند زنان را سرکوب، محدود و از اجتماع دور سازند. این اقدام‌شان هم دور از انتظار نبود و نشان می‌دهد که تا چه حد میزان زن‌ستیزی و افراط‌گرایی طالبان روزه‌روز بروز می‌کند.» گفتنی است که طالبان در دوران نخست حاکمیت‌شان نیز همه آرایشگاه‌های زنانه را تعطیل کرده بودند. در آن زمان زنان به‌گونه پنهانی به حرفه آرایشگری می‌پرداختند. این اقدام در حالی روی دست گرفته می‌شود که طالبان پس از رسیدن به قدرت، محدودیت‌های زیادی علیه زنان در افغانستان وضع کرده‌اند. براساس فرمان‌های منسوب به رهبر این گروه، ابتدا مکاتب بالاتر از صنف ششم به روی دختران بسته شد و به مرور زمان، سیاست‌های زن‌ستیزانه این گروه سبب شد که زنان از رفتن به پارک‌های تفریحی و حمام‌های عمومی زنانه نیز منع شوند. رهبر طالبان پیش از این درب دانشگاه‌ها را نیز به روی دختران بسته و زنان را از کار در موسسه‌های داخلی و خارجی منع کرده است.

نسرین، یکی دیگر از آرایشگران زنانه در شهر کابل است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان، هیچ توضیح و دلیلی برای ممنوعیت فعالیت کار آنان ارائه نکرده است. نسرین اضافه کرد: «طالبان باید در مورد این تصمیم‌شان تجدید نظر کنند؛ چون این اقدام‌شان به معنای گرفتن نان از گلوی خانواده‌هاست. بدون آن از زمان تسلط طالبان کاروبار ما خوب نبود، اما حداقل مصارف زنده‌گی ما را تامین می‌کرد.»

در همین حال، شماری از فعالان حقوق زن منع فعالیت آرایشگاه‌های زنانه را ادامه اقدام‌های زن‌ستیزانه طالبان می‌دانند. مونسه مبارز، یک تن از زنان معترض و فعال حقوق زن، این اقدام طالبان را «جفا» در حق مردم افغانستان عنوان می‌کند. وی هدف چنین اقدام‌های طالبان را فشار برای به دست آوردن منافع سیاسی این گروه از کشورهای جهان، به‌ویژه امریکا، می‌داند. مبارز در صحبت با روزنامه ۸ صبح تصریح گفت: «گروه طالبان از زمان حضورشان تا کنون تمام پالیسی‌ها و راهبردهای کاری‌اش متمرکز بر وضع محدودیت‌ها و فشار بر زنان به منظور به دست آوردن منافع سیاسی‌اش در گفت‌وگو میان این گروه و امریکا بوده است.» به گفته وی، رژیم طالبان یگانه رژیم در سطح جهان است که نان، آزادی‌ها و دارایی‌های مردم را ربوده و زنده‌گی را برای شهروندان کشور جهنم ساخته است. او تاکید می‌کند که کشورهای جهان در قبال اقدام‌های «زن‌ستیزانه» طالبان بی‌تفاوتند. مونسه مبارز افزود: «جای تاسف است که لقمه نان و زنده‌گی آبرومندانه را از یک زن بگیرند و در جاده‌های کابل به گدایی‌گری بپردازند. کار کردن زنان را حرام

سویس ۱.۵ میلیون فرانک به افغانستان کمک کرد

افغانستان کمک کرده است. پس از روی کار آمدن دوباره طالبان در افغانستان، بحران بشری در این کشور افزایش یافته است.

اوچا در ماه گذشته اعلام کرد که افغانستان بدترین بحران بشردوستانه را در جهان تجربه می‌کند و بیش از دو سوم جمعیت این کشور به کمک‌های بشردوستانه فوری نیاز دارند.

این نهاد بین‌المللی همچنان از کاهش کمک‌های جهانی به افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته بود که اگر بودجه کافی در اختیار آن قرار نگیرد، بیشتر افراد نیازمند در کشور از دریافت کمک محروم خواهند شد.



۸ صبح، کابل: اداره هماهنگ کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوچا) می‌گوید که سویس ۱٫۵ میلیون فرانک معادل ۱٫۷ میلیون دلار به افغانستان کمک کرده است. این اداره روز دوشنبه، ۱۲ سرطان، با نشر توییتی از دریافت این کمک خبر داده است. به گفته اوچا، سویس مبلغ ۱۸ میلیون فرانک را از سال ۲۰۱۶ تا کنون به مردم

عطار خوش باشی‌های

مرگ با زنده‌گی شانه به شانه راه می‌زند. همین که زنده‌گی را شناختیم، مرگ را نیز شناخته‌ایم. چنین است که نمی‌شود از زنده‌گی گفت و مرگ را فراموش کرد. پیش از این گفتیم که زنده‌گی، مرگ و خوش‌باشی مثلثی است که بخش بزرگ چهارگانه‌های خیام بر این زمینه شکل گرفته‌اند. پاره‌ای از رباعی‌های عطار نیز چنین است. عطار مانند خیام در پاره‌ای از چهارگانه‌های خود از این سه مفهوم مثلثی می‌سازد.

چون گل بشکفت ساعتی برخیزیم
بر شادی می، ز دست غم بگریزیم
باشد که بهار دیگری ای هم‌نفسان
گل می‌ریزد ز باد و ما می‌ریزیم

مختارنامه، ص ۲۹۶

زنده‌گی، مرگ و شادکامی، مثلثی است خوابیده در این رباعی عطار. او هشدار می‌دهد بهار آمده است گل‌ها شگفته‌اند. تا بهار دیگر تا چشم به هم زدن، گل‌ها می‌ریزند و ما می‌ریزیم. پس بر خیزیم، یعنی هشیار باشیم تا لحظه‌های شاد زیستن را دریابیم و با شادی می، غم‌ها را پشت سر گذاریم.

بر روی گل از ابر گلاب است هنوز
در طبع دلم میل شراب است هنوز
در خواب مشو چه جای خواب است هنوز
جانا! می‌ده که ماهتاب است هنوز

مختارنامه، ص ۲۹۷

وقتی فرصتی برای لذت بردن و شاد بودن است، دیگر خوابیدن به مفهوم رایگان از دست دادن چنین فرصتی است. ماه در آسمان آبی می‌تابد، شبنم روی برگ گل‌ها در روشنایی ماه می‌تابد، شراب در جام می‌خندد و ترا میل شراب است، پس چرا باید چنین فرصتی را بیهوده از دست داد. باید از زنده‌گی لذت برد.

دل گرچه ز عمر پیش‌خوردی دارد
می‌ده که دلم هنوز گردی دارد
بر زردی آفتاب در ده می‌سرخ
کاین زردی آفتاب دردی دارد

همان، ص ۲۹۷

زردی خورشید نشانه غروب آن است. گویی زردی غروب عطار را به یاد غروب خورشید زنده‌گی‌اش می‌اندازد و جام سرخ می‌خواهد.

جانا می‌ده که با دلی غمناکم
تا می‌ز غم جهان بشوید پاکم
هین باده! که سبزه آمد از خاک پدید
زان پیش که ناپدید گردد خاکم

همان، ص ۲۹۹

جانا گل بین جامه چاک آورده
وز غنچه صباش بر مفاک آورده
می‌خور که صبا بسی وزد بی من و تو
ما زیر کفن روی به خاک آورده

همان، ص ۲۹۸

چون صبح دمید و دامن شب شد چاک
برخیز و صبح کن چرای غمناک
می‌نوش دمی که صبح بسیار دمد
او روی به ما کرده و ما رو به خاک

همان، ص ۲۹۸

زهرست غم این دل غمناک همه
جانا، می‌ده که هست تریاک همه
می‌ده به لب کشت که بسیار نماند
تا کشت کنند بر سر خاک همه

همان، ص ۲۹۹

ماییم به عقل ناصواب افتاده
دل از شر و شور در شراب افتاده
آزاد ز ننگ و نام سر بر سر خشت
در کنج خرابات خراب افتاده

همان، ص ۲۹۷

گل جلوه همی کند به بوستان ای دوست
دریاب چنین وقت گلستان ای دوست
بنشین چو ز هرچه هست بر خواهی خاست
روزی دوز عیش داد بوستان ای دوست



مختارنامه، ص ۱۹۷

خیام

بر چهره گل نسیم نرووز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

همان، ص ۲۹۸

ماییم و می و مطربی مشکین خال
بی هجر میسر شده ایام وصال
با سیمبری نشست بر باد شمال
زین آب حرام خون خود کرده حلال

همان، ص ۲۹۹

ای هم‌نفسان فعل اجل می‌دانید
روزی دو سه داد خود ز خود بستانید
خیزید و نشینید که خود بعد از این
خواهید به هم نشستن و نتوانید

همان، ص ۲۹۶

خواهی که غم از دل تو یک دم بشود
می‌خور که چو دل رسد غم بشود
بگشای سر زلف بتان، بند ز بند
زان پیش که بند بندت از هم بشود

همان، ص ۲۹۸

این رباعی‌های عطار از نظر محتوا و نگرش به هستی، زنده‌گی، مرگ و خوش‌باشی ادامه اندیشه‌های خیام است. از این نقطه نظر در میان محتوای این دسته رباعی‌های عطار با اندیشه‌های خیام تفاوتی نیست. در این رباعی‌ها جلوه‌های گوناگون زیبایی طبیعت و زنده‌گی را می‌بینیم که سوار بر گردونه زمان بی‌درنگ می‌تازد.

در این میان چیز دیگری نیز وجود دارد که با سماجت تمام در برابر طبیعت و زنده‌گی ایستاده و آن مرگ است. حال چه باید کرد؟ تا رسیدن قطار به ایستگاه مرگ باید گریست و گریبان پاره کرد که سفر ما سرمنزلی جز مرگ ندارد. یا این که با همراهان خود با شادکامی و لذت به سفر ادامه دهیم؟

خیام و عطار هر دو ما را به شاد زیستن فرا می‌خوانند، نه این که سر در لاک غم‌ها و نگرانی‌های بیهوده فرو بریم و برای مرگ نارسیده گریه کنیم.

۱. گذشته از زبان و آرایه‌های ادبی هم‌گون، در پاره‌ای از چهارگانه‌های عطار و خیام چنان هم‌گونی و یگانه‌گی اندیشه، مضمون و زبان وجود دارد که در ذهن خواننده این پرسش به میان می‌آید که گوینده اصلی این چهارگانه‌ها عطار است یا عمر خیام؟ به این نمونه‌ها توجه کنیم:

خیام

این اهل قبور! خاک گشتند و غبار
هر ذره ز هر ذره گرفتند کنار
آه این چه شراب است که تا روز شمار
بیخود شده و بی‌خبرند از همه کار

رباعیات خیام، ص ۱۰۴

عطار

ای اهل قبور! خاک گشتید و غبار
هر ذره ز هر ذره گرفتید فرار
این خود چه سرای است که تا روز شمار
بی‌خود شده‌اید و بی‌خبر از همه کار

قصدی دارد به‌جان پاک من و تو
در سبزه نشین و می‌روشن می‌خور
کاین سبزه بسی دمد ز خاک من و تو

عطار

می‌خور که فلک بهر هلاک من و تو
قصدی دارد به‌جان پاک من و تو
بر سبزه نشین که عمر بسیار نماند
تا سبزه برون دمد ز خاک من و تو

مختارنامه، ص ۲۹۸

خیام

چندان که نگاه می‌کنم هر سویی
در باغ روان است ز کوثر جویی
صحرا چو بهشت است ز کوثر کم گوی
بنشین به بهشت با بهشتی رویی

عطار

چندان که نگاه می‌کنم هر سویی
از سبزه بهشت است و ز کوثر جویی
صحرا چو بهشت شد ز دوزخ کم گوی
بنشین به بهشت با بهشتی رویی

مختارنامه، ص ۳۰۰

خیام

بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بسیار این گل
در خاک فرو ریزد و ما خاک شده

عطار

بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بس گل که ز باد
بر خاک فرو ریزد و ما خاک شده

همان، ص ۳۰۱

این رباعی‌ها چنان از نظر محتوا و زبان با هم یکی‌اند که داوری را برای ما دشوار می‌سازد که سراینده اصلی خیام است یا عطار.

دکتر شفیع کدکنی بر این باور است که مختارنامه را عطار خود تنظیم و بخش‌بندی کرده است. کدکنی همچنان باور دارد که یک چنین رباعی‌هایی در اصل از عطار بوده و بعد به نام خیام شهرت یافته‌اند. کدکنی مختارنامه را گذشته از ارزش‌های عرفانی، زبانی و ادبی‌ای که دارد، کتاب ارزش‌مند و با اعتباری در زمینه خیام‌شناسی نیز می‌داند.

او می‌گوید: «بسیاری از معروف‌ترین و زیباترین رباعی‌هایی که به‌نام خیام شهرت یافته بر اساس نسخه‌های قدیمی این کتاب، همه‌گی از آن عطارد و انتساب آن‌ها به خیام حداقل مربوط به دو قرن بعد از نوشته شدن نسخه‌های متن این کتاب است.»

مختارنامه، ص ۱۵

نکته قابل توجه و بحث برانگیز این است که چگونه در این دسته از رباعی‌های شیخ عطار این همه یگانه‌گی اندیشه با عمر خیام وجود دارد؟ شاعر عارف و متصوفی چون عطار، چگونه در رباعی‌سرایی‌های خود این همه جهان و هستی را از چشم‌انداز اندیشه‌های خیام دیده است. اندیشه‌هایی که در نقطه مقابل عرفان قرار دارند. تردیدی نیست که عطار در این بخش از رباعی‌های خود از نظر اندیشه و جهان‌نگری یک شاعر عارف نیست؛ بلکه شاعری است با اندیشه‌های خیامی. خیام را با عرفان میانه‌ای نیست. در واقع‌گرایی فلسفی او همه بحث‌ها بر محور همین جهان می‌چرخد.

عطار در الاهی‌نامه، در گفته‌های آن «بیننده پاک» از خیام همان تصویری را ارائه می‌کند که فخر رازی در رساله خود و نجم‌رازی در مرصادالعباد.

حال پرسش این است که عطار چگونه از آن همه بینش عارفانه خود می‌گذرد و می‌شود یک شاعر خیامی و با ذهن و زبان او رباعی‌سرایی می‌کند؟ از یقین عرفانی خود می‌رسد به شک خیامی. این دگرگونی فکری چگونه برای عطار دست می‌دهد؟

عطار در این بخش از رباعی‌های خود پیرو تمام‌عیار اندیشه‌های خیام است و به رباعی‌ها و اندیشه‌های خیام نظر داشته است.

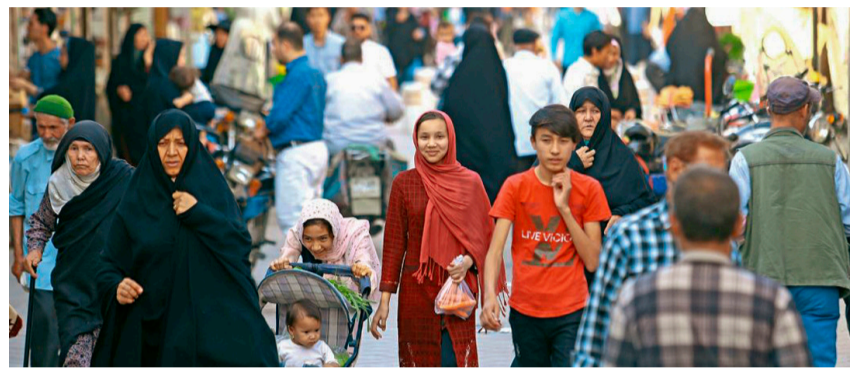
بی‌تردید می‌توان گفت که خیام از این نقطه نظر بر شماری از شاعران بزرگ پس از خود چون عطار، حافظ و سعدی تاثیرگذاری گسترده‌ای دارد.

رفتار شهروندان ایران در برابر مهاجران افغان تغییر کرده است

اگر هشدار ریسی به آدرس طالبان را نوعی تلاش برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی ایران بدانیم، به نظر می‌رسد تا جایی موفق عمل کرده است. شهروندان ایران از طالبان انزجار دارند. نام طالبان را بشنوند، وحشت می‌کنند. خاطره تلخ قتل دیپلمات‌های ایرانی در ذهن شهروندان ایران هنوز زنده است. با اندک جرعه‌ای می‌شود شهروندان ایران را علیه طالبان بسیج کرد. اگر رابطه میان طالبان و جمهوری اسلامی بیش از این پرتنش شود، رفتار شهروندان ایران نسبت به مهاجران افغان در مقایسه با گذشته بیش‌تر در جهت منفی تغییر خواهد کرد که این به زیان مهاجران است.

برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی ایران بدانیم، به نظر می‌رسد تا جایی موفق عمل کرده است. شهروندان ایران از طالبان انزجار دارند. نام طالبان را بشنوند، وحشت می‌کنند. خاطره تلخ قتل دیپلمات‌های ایرانی در ذهن شهروندان ایران هنوز زنده است. با اندک جرعه‌ای می‌شود شهروندان ایران را علیه طالبان بسیج کرد. اگر رابطه میان طالبان و جمهوری اسلامی بیش از این پرتنش شود، رفتار شهروندان ایران نسبت به مهاجران افغان در مقایسه با گذشته بیش‌تر در جهت منفی تغییر خواهد کرد که این به زیان مهاجران است. با مهاجری که مدرک قانونی برای ماندن در ایران دارد، این گونه برخورد می‌شود، پیدا نیست با مهاجری که کار شاقه می‌کند و از مسیر قاچاق با عالمی از مشکلات وارد خاک ایران شده، چگونه برخورد می‌شود. البته که رفتار جمهوری اسلامی ایران در برابر مهاجران روشن‌تر از آفتاب است و جای گفتن ندارد.

در کنار ایرانی‌ها، دو تن از مهاجران افغان که دانشجو بودند، نیز حضور داشتند. هر دو با آرایش‌گرها غرق صحبت بودند. از ولایت نیمروز بودند و خود را بلوچ معرفی می‌کردند. یکی از آن‌ها که می‌خواست ریش خود را بترشد، آرایش‌گر خطاب به او گفت: «ریش خود را می‌تراشی اگر افغانستان بروی، طالبان اذیت نمی‌کنند.» همکار آرایش‌گر از آن طرف گفت: «نه. اگر پشتو باشد، اذیتش نمی‌کنند.» مردم عوام ایران، «پشتون» را «پشتو» تلفظ می‌کنند. ممکن است گفته او، تا جایی درست باشد و نمونه‌هایی در تایید آن در اختیار باشد، ولی شنیدن آن برای من تلخ و کمرشکن بود. از این سخن، بوی بی‌دولتی یا بددولتی در افغانستان به مشام می‌رسید. دیگران از دولت ملی، ارتش قوی و اقتصاد شگوفای خود دم می‌زنند، ولی نوبت که به افغانستان می‌رسد از دولت قومی، ناکام و ... نام برده می‌شود.



امینی

طعن‌آمیز جنرال مبین، چهره مشهور رسانه‌ای طالبان، اشاره کرد. خیلی خشمگین بود. روی به آرایش‌گر کرد و گفت: «چقدر حقیر شدیم. ملای طالبان ما را با دبه (بشکه) زرد پر از آب نیشخند می‌زند. عجب دولتی داریم. جای رییس جمهور باشم، چند خلبان ارتش را هدایت می‌دهم تا ظرف یک ساعت افغانستان را بمباردمان کنند و طالبان را له‌لورده کنند.» آرایش‌گر خطاب به او گفت: «نه، نیازی به خلبان و ارتش و بمباردمان نیست. کافیس همین‌هایی (مهاجران) را که این جا هستند، بیرون کنند.»

من چه می‌توانستم انجام دهم، جز سکوت تلخ. شنیدن این گفته‌های تمسخرآمیز روی روانم سنگینی کرد. درد بی‌وطنی و مهم‌تر از آن بی‌دولتی را خوب حس کردم. بلی، طالبان، افغانستان را تبدیل به کشور بی‌در و پیکر کرده‌اند که چند خلبان ایرانی می‌تواند طی چند ساعت خاکش را به توبره باد کند. از این تلخ‌تر، سخن آرایش‌گر بود که اخراج مهاجران افغان را توصیه می‌کرد. این در حالی است که به‌خوبی می‌دانند یکی از عوامل مهاجرت روزافزون افغان‌ها به ایران، حضور طالبان در افغانستان است. مهاجرانی که از سایه طالبان فرار می‌کنند، چرا تقاص عمل کرد این گروه را بپردازند. از آرایشگاه بیرون شدم. این حداقل اعتراضی بود که می‌توانستم انجام دهم. عهد بستم که دیگر به آن جا نروم. این منظره تلخ و ناخوشایند را همان روز در دفتر خاطراتم نوشتم.

۲- یک‌شنبه، ۴ جون سال روان (۱۴ جوزا) به فروشگاه رفتم. این فروشگاه‌های است که بسیاری اوقات می‌رفتم و از آن خرید می‌کردم. می‌خواستم «سوسیس» خرید کنم. قیمت آن چون گذشته نبود و سر به فلک کشیده بود. واقعا شوکه شدم. یکی از مشکلات جدی در ایران افزایش قیمت کالا است. هرچند ماهی بر قیمت کالاها افزوده می‌شود. اعمال تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل است. خطاب به مالک فروشگاه گفتم: «قیمت سوسیس خیلی بالا رفته است.» در پاسخ گفت: «غم افزایش قیمت‌ها یک طرف و غم شما افغان‌ها و اخطارهای تان یک طرف. زودتر می‌رفتم بی‌غم می‌شدیم.» از لحن و رنگ صورتش پیدا بود که خشمگین است و اشاره به هشدار طعن‌آمیز جنرال مبین دارد. «سوسیس» را جا گذاشتم، سکوت تلخی کردم و از فروشگاه بیرون شدم. حداقل کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که دیگر به آن فروشگاه نروم.

۳- دوشنبه، ۲۶ جون (۵ سرطان) به آرایشگاه رفتم. این بار به آرایشگاه اولی نه. در صف انتظار نشستم.

از حسن معاشرت شهروندان ایران با مهاجران افغان در گذشته زیاد شنیده بودم. بچه‌های روستای مان که از ایران برمی‌گشتند، از خوبی‌های شهروندان ایران می‌گفتند و آن‌ها را با صفاتی چون صادق، مهربان، شیرین‌سخن، نرم‌خو و ... توصیف می‌کردند. برای من که شنونده بودم حسرت سفر به ایران در دلم زنده می‌شد. البته که شهروندان ایران خوبی‌های پرشماری دارند و نمی‌توان انکار کرد. رفتار آن‌ها با مهاجران افغان عمدتا نیک و از روی حسن هم‌جواری بوده است. شهروندان ایران وضع سیاه حاکم بر افغانستان را خوب درک می‌کنند و از این‌رو، با مهاجران افغان می‌کوشند به‌نحوی همدردی و غم‌خواری کنند.

ولی، پس از آن که سید محمد ابراهیم ریسی، رییس جمهور ایران، در پیوند به موضوع قحطی این کشور از رود هیرمند ابراز نظر کرد، می‌توان نوعی تغییر در رفتار شهروندان ایران در برابر مهاجران افغان را مشاهده کرد. ریسی در ۱۸ می سال روان به طالبان هشدار داد: «قحطی مردم سیستان و بلوچستان را بدهید. این حرف من را جدی بگیرید تا بعدا گلایه نکنید.» پس از این اظهارات، به تاریخ ۲۷ می میان مرزبانان ایرانی و طالبان در مرز ولایت نیمروز درگیری صورت گرفت که تلفات جانی برای هر دو طرف در پی داشت. اظهارات ریسی و به تعقیب آن درگیری مرزی از گرمی رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و طالبان تا جایی کاست و همچنان رفتار شهروندان ایران در برابر مهاجران افغان را تا جایی متأثر ساخته است. من یکی از کسانی هستم که تغییر منفی در رفتار شهروندان ایران در برابر مهاجران افغان را مشاهده کرده‌ام. در ذیل به سه نمونه با کمال امانت‌داری اشاره می‌شود:

۱- چهارشنبه، ۲۴ می (۳ جوزا) به آرایشگاه رفتم. آرام و خاموشانه در صف انتظار نشستم. کسان دیگری که در صف انتظار بودند، ایرانی بودند. از مهاجران افغان، تنها من بودم. بار اول نبود که به این آرایشگاه می‌رفتم. مالکان آن مرا می‌شناختند و خوب می‌دانستند که از افغانستان هستم. آرایش‌گرها در عین حال که به کار خود مشغول بودند با ایرانی‌هایی که در صف انتظار بودند، از هر دری سخن می‌گفتند. از وضع بد اقتصادی در ایران تا از سرگیری رابطه جمهوری اسلامی ایران و عربستان و همین‌طور بروز تنش میان جمهوری اسلامی ایران و طالبان. من خاموشانه به صحبت آن‌ها گوش می‌دادم. یکی از آن‌ها سخن از طالبان و جمهوری اسلامی ایران را پیش کشید و به گفته‌های

طالبان تا کمتر از یک ماه دیگر آرایشگاه‌های زنانه را می‌بندند



این وزارت از اداره‌های محلی تحت امرش خواسته است تا در این زمینه اقدام‌های جدی داشته باشند.

طالبان تا کنون در این مورد به‌گونه رسمی چیزی نگفته‌اند.

در همین حال، منابع محلی در زابل به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ریاست امر به معروف طالبان چندین آرایشگاه را در این ولایت مسدود کرده است.

به گفته منابع، طالبان به این آرایشگران دستور داده‌اند تا دیگر کار نکنند و اگر کنند همراهشان برخورد قانونی می‌شود.

پیش از این نیز گروه طالبان برخی از محدودیت‌های را بالای آرایشگاه‌های زنانه وضع کرده بود.

گفتنی است که با تسلط طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را بر زنده‌گی اجتماعی زنان وضع کرده است.

۸ صبح، کابل: پس از منع آموزش، تحصیل و کار زنان، وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در مکتوبی نوشته است که پس از تاریخ ۳ اسد سال روان، دروازه آرایشگاه‌های زنانه در سطح کشور مسدود می‌شوند.

در مکتوبی که وزارت امر به معروف تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۵ سرطان، صادر کرده است و در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود گفته که این تصمیم براساس هدایت شفاهی ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه اتخاذ شده است.

در مکتوب اداره امر به معروف طالبان آمده است: «از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۳ الی ۱۴۰۲/۵/۳ به آرایشگاه‌های زنانه در شهر کابل و ولایات وقت داده شود بعد از معیاد معینه فعالیت‌های کاری‌شان ممنوع بوده و همچنان جواز و قراردادهای صورت گرفته از تاریخ ۱۴۰۲/۵/۳ به بعد فاقد اعتبار است.»

خبرنگار ارشد:

امین کاوه

محمدهلی نظری، مقیم مهران

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹۹

Shaparsepehr@gmail.com

۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

ویراستاران:

محمدهلی نظری، مقیم مهران

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹۹

Shaparsepehr@gmail.com

۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

Sanjar.sohail@8am.media

Mohammad.moheq@8am.media

Hasib.baheesh@8am.media

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

فهمین امین

محمد نوید جویرا

صاحب امتیاز:

سنجر سهیل

مدیرمسئول:

محمد محق

سرمدیر:

حسیب بهش

تحلیل‌گران:

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها:

فهمین امین

محمد نوید جویرا

دبیر تولید:

محمد نوید جویرا

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

گیدو کروسو، وزیر دفاع ایتالیا، وضعیت فرانسه را «بسیار نگران کننده» عنوان کرده و می گوید که مدیریت آن کشور برای دولت فرانسه دشوار است. بر بنیاد گزارش ای ان اس ای، کروسو این اظهارات را یکشنبه شب، ۲ جولای، در حاشیه جشنواره جوانان در فنیس مطرح کرده است. او با اعلام حمایت ایتالیا از دولت فرانسه، خاطرنشان کرد: «امیدواریم وضعیت کنونی به پایان برسد، زیرا خوشحالی که رخ داده نه تنها به فرانسه و نهادهای آن، بلکه به بسیاری از شهروندان فرانسوی ضربه می زند و این موضوع قابل قبول نیست.» وزیر دفاع ایتالیا اضافه کرد: «اکنون ترس سراسر فرانسه را فرا گرفته است، اما این باید یک درس برای ما باشد زیرا به عقیده من، نابرابری هایی که در طول ۲۰ سال گذشته ایجاد شده است، باید به شکلی جدی مورد توجه قرار گیرد.»

مرکز بررسی جنایات جنگی روسیه در اوکراین در هالند گشایش یافت

اتحادیه اروپا و دادگاه کیفری بین المللی لاهه به هدف «محاکمه افرادی که مسوول تهاجم به اوکراین» هستند، تشکیل شده است. اورزولا فن در لاین، رئیس کمیسیون اروپا در اعلامیه ای گفت: «شواهد جنایات بین المللی بی شماری که توسط روسیه انجام شده در حال انباشه شدن است. مرکز جدید پیگرد قانونی بین المللی، نقشی کلیدی در حصول اطمینان از محاکمه عاملان این جنایات از جمله تجاوزها ایفا خواهد کرد.» حامیان این مرکز امیدوارند که گامی به سوی ایجاد دادگاه بررسی جنایات جنگی روسیه در اوکراین باشد. ایالات متحده از عضویت در دیوان کیفری بین المللی امتناع می ورزد؛ با این وجود تقاضای واشنگتن برای



یک مرکز بین المللی فعالیتش را با تمرکز بر ترتیب پرونده های جنایی برای رهبران روسیه در خصوص ادعای جنایات جنگی در اوکراین، در شهر لاهه آغاز کرد. این مرکز روز دوشنبه، ۳ جولای، با حمایت ایالات متحده،

بحران اوکراین؛ حدود ۷۰۰ هزار کودک اوکراینی به روسیه منتقل شده اند



این مدت، افزون بر تلفات جانی و خسارات هنگفت مالی، میلیون های شهروند اوکراینی آواره شده اند.

بیشتر جابه جایی مردم و کودکان اوکراینی در روسیه در چند ماه اول جنگ و پیش از آغاز عملیات ضد حمله اصلی اوکراین برای باز پس گیری سرزمین های اشغالی در شرق و جنوب این کشور در اواخر ماه اگست ۲۰۲۲، صورت گرفته است. با این حال، اوکراین گفته که بسیاری از کودکان به طور غیرقانونی به روسیه منتقل شده اند. پیش از این امریکا گفته بود که روسیه ۲۶۰ هزار کودک را جبرا از اوکراین بیرون کرده است، اما وزارت ادغام سرزمین های اشغالی اوکراین اعلام کرده که این رقم به ۱۹ هزار و ۴۹۲ کودک می رسد. روسیه در ماه فبروری ۲۰۲۲، به اوکراین حمله کرد. در

مقام های روسیه گفته اند که این کشور دست کم ۷۰۰ هزار کودک اوکراینی را از ساحات جنگی این کشور به روسیه انتقال داده است. رویترز روز دوشنبه، ۳ جولای، به نقل از مقام ها در مسکو گزارش داده اند که این شمار از کودکان یتیم و رهاسده در منطقه درگیری به هدف حفاظت به روسیه انتقال داده شده اند. گریگوری کاراسین، رئیس کمیته بین المللی شورای فدراسیون مجلس علیای روسیه، در کانال تلگرام خود نوشته است: «در سال های اخیر، ۷۰۰ هزار کودک به ما پناه آورده اند و از بمباران و گلوله باری ها مناطق درگیری در اوکراین فرار کرده اند.»

حمله نیروهای اسرائیلی به کرانه باختری ۸ کشته و بیش از ۵۰ زخمی بر جای گذاشت



وزارت خارجه امریکا نیز در واکنش به این حملات تاکید کرد که اتفاقات را از نزدیک دنبال می کند. یک سخنگوی این وزارت گفته که در نظر گرفتن تمام اقدامات احتیاطی ممکن، برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان امری ضروری است. بیش از یک سال است که حملات ارتش اسرائیل به شهرهایی چون جنین به امری عادی تبدیل شده و با وجود انتقادات بین المللی دولت نتانیاهو به این روند ادامه می دهد. شهرداری جنین می گوید که عملیات نیروهای اسرائیلی، با بولدوزر و با حمله به جاده های اردوگاه فلسطینیان و قطع آب و برق آغاز شده است. باین حال، سخنگوی ارتش اسرائیل می گوید تا زمانی که نیاز باشد، عملیات سربازان اسرائیلی ادامه خواهد یافت.

نیروهای اسرائیلی در یکی از بزرگترین عملیات خود در کرانه باختری طی ۲۰ سال گذشته، شهر جنین را مورد حملات پهنادهی قرار داده اند. بر بنیاد گزارش یورونیوز، این حمله روز دوشنبه، ۳ جولای، در شهر جنین کرانه باختری انجام شده است. وزارت صحت فلسطین اعلام کرده است که در پی این حملات دست کم هشت شهروند این کشور کشته و بیش از ۵۰ تن دیگر زخمی شده اند. صدای تیراندازی و انفجار در طول روز از این شهر شنیده می شد و درگیری های شدیدی میان نیروهای اسرائیلی و جنگجویان جنین در این منطقه در جریان بود. علاوه بر فلسطین، دولت های مصر و اردن همچنان سازمان کنفرانس اسلامی، حمله اسرائیل به جنین را محکوم کرده اند.

وزیر دفاع روسیه شورش واگنر را تلاش برای بی ثباتی خواند

ده روز پس از پایان شورش واگنر، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه برای نخستین بار شورش واگنر را تلاش برای بی ثباتی در آن کشور عنوان کرد. شویگو این اظهارات را در نشست روز دوشنبه، ۳ جولای، در وزارت دفاع روسیه مطرح کرده است. او هرچند در سخنرانی اش از یوگنی پریگوژین و نیروهای واگنر به عنوان مسوول شورش نام نبرد، اما گفت: «این تحریک تأثیری بر عملیات واحدهای مسلح ارتش در اوکراین نداشت و سربازان در جبهه به کار خود ادامه دادند. در مجموع دشمن در هیچ جهت حمله به هدف خود نرسید.» این در حالی است که یوگنی پریگوژین، رئیس گروه مزدوران واگنر، بارها وزیر دفاع روسیه را متهم به بی لیاقتی نظامی کرده بود. حدود ده روز پیش، یوگنی پریگوژین، به نیروهای واگنر، که تا آن زمان در کنار مسکو در جنگ اوکراین می جنگیدند، دستور داد تا شهر روستوف در جنوب روسیه را تصرف کنند. پس از حملات هوایی روسیه به ارتش واگنر و کشته شدن ده ها تن از نیروهای واگنر، پریگوژین وزیر دفاع را متهم کرد که دستور این حمله را داده است. در پی آن پریگوژین به نیروهایش دستور لشکرکشی به سوی مسکو را داد.

یونسکو: چهل درصد از زبان های بومی جهان در حال نابودی هستند



مرکز علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) می گوید که در جهان با شش هزار و ۷۰۰ زبان صحبت می شود که از این میان حدود ۴۰ درصد آن در حالت فراموشی قرار دارند.

این نهاد بین المللی روز دوشنبه، ۳ جولای، در اعلامیه ای به مناسبت گرامی داشت از دهه بین المللی زبان های بومی گفته که این امر پیامدهای بدی در زمینه تنوع فرهنگی به نسل های بعدی خواهد داشت.

در اعلامیه یونسکو آمده است: «انقراض زبان های بومی دانش چندقرنی را که می تواند در تلاش های بشر برای حل چالش های قرن حاضر، از جمله تغییرات آب و هوا و از دست دادن تنوع زیستی، تعیین کننده باشد، به خطر می اندازد.»

بر اساس اطلاعات یونسکو، کمتر از دو درصد از زبان ها حضور واقعی آنلاین دارند. این امر سبب جلوگیری میلیون ها گوینده و نویسنده زبان های بومی از مشارکت کامل در فضای مجازی شده است.

یونسکو در حالی از انقراض زبان های بومی در سطح جهان نگرانی کرده که قرار است این نهاد، روز سه شنبه، ۴ جولای، نشست را با اشتراک بیش از ۷۰۰ تن از ۱۹۳ کشور جهان، به مناسبت دهه بین المللی زبان های بومی برگزار کند.

افزایش ورشکستگی در آلمان به علت بحران انرژی و تورم بالا

تحقیقات جدید نشان می دهد که به علت بحران انرژی، تورم و افزایش نرخ بهره در نیمه نخست امسال، تعداد شرکت های آلمانی که به سوی ورشکستگی سوق داده شدند، افزایش یافته است.

بر بنیاد تحقیقات آژانس اعتباری کردیت ریفرم، از ماه جنوری تا جون امسال ۸ هزار ۴۰۰ ورشکستگی شرکتی در آلمان ثبت شده که ۱۶٫۲ درصد نسبت به نیمه اول سال ۲۰۲۲ افزایش را نشان می دهد و بیشترین درصد افزایش در بیش از ۲۰ سال گذشته را به خود اختصاص داده است. پاتریک لودویگ هانتزش، اقتصاددان ارشد «کردیت ریفرم» در این مورد گفت عواملی که بر این شرکت ها تأثیر گذاشته است، شرایط نامناسب مصرف کننده و توزیع سخاوتمندانه پول دولتی طی بحران های گذشته بود که سبب شد، تا شرکت ها بیش از حد به بودجه دولتی متکی باشند.

به گفته او، چنین ترکیبی برای شرکت ها نتیجه معکوس دارد و در شرایط افزایش نرخ بهره به «بن بست اقتصادی» منجر می شود.

این آژانس اعتباری، افزایش ورشکستگی شرکت ها در باقی سال را پیش بینی کرده است، زیرا تورم بالا و افزایش نرخ بهره مانع کسب و کار در آلمان می شود.